



ژورنال حقوق کیفری



سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸

شماره پیاپی ۱۹

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و آلمان

دکتر منصور رحمدل^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۲

چکیده

بحث ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی، از دیرباز در حقوق کیفری از مسائل بحث برانگیز بوده است. قانون گذار ایران نیز، تا سال ۱۳۹۲ به طور کلی به جرم‌انگاری اعمال ارتكابی توسط اشخاص حقوقی نپرداخته بود ولی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۳ خود به جرم‌انگاری اعمال ارتكابی توسط شخص حقوقی پرداخته است. با وجود ارتباط تنگاتنگ فعالیت اشخاص حقوقی با زندگی افراد در کشورهای پیشرفته، بخصوص آلمان، در این کشور قانون صریحی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی وجود ندارد و مقامات از برخی اختیارات برای اعمال ضمانت اجرا بر اشخاص حقوقی برخوردار هستند. برای فائق آمدن بر این مشکل در سال ۲۰۱۳ پیش نویس قانون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تهیه شده، ولی هنوز به شکل قانون در نیامده است. برای روشن شدن وضعیت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و آلمان به مطالعه تطبیقی دو نظام کیفری ایران و آلمان می‌پردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی خواهد بود.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی، نظام کیفری ایران، نظام کیفری آلمان

^۱ m_rahmdel@yahoo.com

۱. استادیار رشته حقوق دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مقدمه

قانون گذار تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ به صراحت به عنوان یک قاعده کلی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره نکرده بود، با این حال، رگه‌هایی از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران را می‌توان در قوانین متفرقه پیدا نمود. دلیل عدم اشاره مشخص قانون گذار را می‌توان در لزوم وجود عناصر سه‌گانه تشکیل دهنده جرم برای تحقق جرم و فقدان نظام ضمانت اجراهای همسو با ماهیت اشخاص حقوقی و تردید در تأمین هدف های حقوق کیفری به‌ویژه هدف اصلاحی مجازات‌ها جستجو نمود. قانون گذار به تبعیت از قواعد سنتی و با جاری ساختن اصل عمدی بودن جرائم نوعاً به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی می‌پردازد و به همین اعتبار از لزوم وجود عمد و آگاهی برای تحقق جرم صحبت می‌کند. قانون گذار تنها شهروندان دارای قوه متفکره را به خاطر نقض قواعد کیفری قابل سرزنش و اساساً اشخاص فاقد قوه متفکره را از شمول مسئولیت کیفری خارج می‌داند و به همین اعتبار جنون و صغر را مانع مسئولیت کیفری تلقی می‌کند، هر چند عمل ارتكابی توسط آنان را جرم تلقی می‌کند (دکتر علی آزمایش، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی، ۸۶-۸۵).

در مورد ماهیت اشخاص حقوقی چهار نظریه معروف نظریه مجازی، نظریه امتیاز، نظریه مالکیت اعتباری و نظریه تعلق اموال شخص حقوقی به اشخاص حقیقی تشکیل دهنده آن ارائه شده و به اعتبار عدم وجود واقعی شخص حقوقی و این که اشخاص مزبور نمی‌توانند موضوع حق و تکلیف قرار گیرند و شخصیت فقط ناشر به اشخاص حقیقی است و قانون گذار فقط از باب امتیازی که برای اشخاص حقوقی قائل شده لفظ شخصیت را در مورد آنان به کار می‌رود و تنها انسان می‌تواند صاحب حق شود با فرض مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مخالفت کرده‌اند. ولی نظریه واقعی یا ارگانیک برای اشخاص حقوقی وجودی واقعی قائل است و بر این اعتقاد است که ماهیت وجودی اشخاص حقوقی وابسته به شناسایی آن‌ها از طرف دولت نیست و شخصیت اشخاص حقوقی مجازی نیست و واقعیت دارد و به اعتبار عامل دیگری موجودیت پیدا نمی‌کند (صانعی، ۱۳۸۳: ۵۹۸-۵۹۶). احتمالاً قانونگذار آلمان نیز به تأسی از نظریه مخالفان تاکنون از به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی خودداری کرده است ولی قانون گذار ایران با پذیرش فرض عنصر روانی نیابتی برای آنان مسئولیت کیفری پیش بینی کرده است. به تعبیر برخی «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پس از سال‌ها جدال فکری بین طرفداران و مخالفان، متأثر از دیدگاه جرم‌شناسان اثبات‌گرا، مورد قبول واقع شده است» (فرج‌اللهی، ۱۳۹۳: ۴۴۱).

فارغ از حکم قانون نیز باید گفت امکان وجود عنصر روانی، صرف نظر از این که در قالب عمد یا غیر عمد باشد، در شخص حقوقی وجود ندارد و پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص مزبور

نیز ماهیت امر را تغییر نمی‌دهد. به عبارت دیگر، این که قانون‌گذار قبلاً برای اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری پیش‌بینی نکرده بوده ولی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ بالصراحه به این مطلب پرداخته است به این معنی نیست که در دوره جدید قانون‌گذاری، قانون‌گذار به این نتیجه رسیده است که اشخاص حقوقی هم می‌توانند دارای عنصر روانی باشند، بلکه واقعیات زندگی اجتماعی به تدریج قانون‌گذار را به این مسیر رهنمون ساخته است که در دنیای امروزی اشخاص حقوقی، که بر تمامی جنبه‌های زندگی انسانی سیطره انداخته‌اند، باید در قبال منافعی که تحصیل می‌نمایند یا در برابر اعمالی که به قصد تحصیل منفعت انجام می‌دهند مسئولیت نیز داشته باشند و فرض عدم مسئولیت آنان با واقعیات زندگی اجتماعی امروزی مطابقت ندارد. اگر قرار است شخص حقوقی در جامعه از حقوقی برخوردار باشد^۱ بعد دیگر این امر داشتن مسئولیت است و قانون‌گذار نیز با لحاظ همین واقعیات اجتماعی و حقوقی در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ برای آنان مسئولیت کیفری پیش‌بینی نموده است و مسئله عنصر روانی را نیز نه ناظر به خود شخص حقوقی، بلکه ناظر به گردانندگان شخص مزبور به‌عنوان قوه متفکره شخص حقوقی دانسته و به اعتبار مزبور هم برای شخص حقیقی و هم برای شخص حقوقی مسئولیت کیفری پیش‌بینی و در قسمت اخیر مواد ۲۲۰ و ۳۱۴۳ به این مطلب تصریح نموده است. به این اعتبار می‌توان گفت «علت اصلی تحمیل مسئولیت نیابتی به اشخاص، اعم از حقیقی و حقوقی، وظیفه محتوم آنان در اعمال نظارت بر عوامل خود و پیشگیری از رخدادهای ناگوار و حوادث تلخ است. حال اگر بین تقصیر این اشخاص در انجام وظایف نظارتی و هدایتی و انجام تخلف از سوی نماینده، رابطه سببیت برقرار باشد، از عنصر روانی لازم برای سرزنش شدن برخوردار خواهند بود (شریفی - حبیب زاده - عیسایی تفرشی - فرجی‌ها، ۱۳۹۲: ۶۳) به همین اعتبار شعبه ۱۰۳۳ دادگاه کیفری تهران در پرونده‌ای مدیر عامل شرکت بهکار انجام و دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی را به اعتبار تقصیر مربوط به عدم نصب چراغ روشنایی در مسیر عبور دریچه مجرای فاضلاب که به واسطه آن شاکی در دریچه مزبور افتاده و مصدوم شده است را به استناد گواهی گواهان، نظریه پزشکی قانونی، گزارش کارشناسان رسمی دادگستری و جواز تردد شاکی در محل و عدم نصب

۱. طبق ماده ۵۸۸ قانون تجارت «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظائف ابوت - بنوت و امثال ذلک.»
۲. در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست.
۳. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

چراغ روشنایی مقصر تلقی و هر کدام از آنان را به مقدار ۴۰٪ مسئول پرداخت دیه و آرش متعلقه بر شاکی دانسته و حکم بر محکومیت آنان صادر کرده است.

فرض مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نوعی اهمیت دادن به حقوق شهروندان در مقابل استیلاي اشخاص حقوقی بر زندگی شهروندان به اعتبار نیاز آنان به عملکرد اشخاص مزبور است. به ان اعتبار می‌توان گفت «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی قادر به انعکاس ارزش حیات بشر و پیشگیری از قتل و صدمات بدنی توسط اشخاص حقوقی از طریق مجازات آنان است» (حسنی، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

«مفهوم مسئولیت محدود اشخاص حقوقی ممکن است به‌عنوان یک روش نسبتاً جدید در مقایسه با قوانین سنتی موجود مورد پذیرش قرار گیرد. تازگی آن از این جهت است که باتوجه به تغییرات متعددی که اشخاص حقوقی از حیث نوع نقش ایفا شده در جامعه پیدا می‌کنند در زندگی روزمره ما مفهوم جدیدی پیدا کرده‌اند. به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ما سهامداران اشخاص حقوقی شده‌ایم. زیان‌های ناشی از فعالیت‌هایی که اشخاص حقوقی ایجاد می‌کنند می‌توانند آثار بسیار بزرگی به دنبال داشته باشد.»

(CORPORATE CRIMINAL LIABILITY INTERNATIONAL PERSPECTIVE, shodhganga.inflibnet.ac.in/bitstream/10603/107447/11/11_chapter%204.pdf)

در ارتباط با ایراد عدم امکان پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی باید گفت اساساً قرار نیست که شرایط مسئولیت کیفری در مورد اشخاص حقوقی و نیز ضمانت‌های قابل اعمال در مورد آنان دقیقاً مشابه شرایطی باشد که برای اشخاص حقیقی مقرر است. بنابه جهات مزبور، قانون مجازات اسلامی بنای جرم‌انگاری برای اشخاص حقوقی را اتخاذ تصمیم از طرف نماینده شخص حقوقی برای شخص حقوقی قرار داده و به این اعتبار می‌توان گفت عنصر روانی و مادی شخص حقیقی تصمیم‌گیر از جانب شخص حقوقی را مستوجب دو نوع مسئولیت کیفری دانسته است. در واقع «با توجه به این که به موجب ماده ۵۸۹ قانون تجارت، تصمیم‌گیرنده شخص حقوقی، اشخاص حقیقی تصمیم‌گیرنده برای آن هستند مجازات واقعی متوجه آن‌ها می‌شود» (سلطانی، ۱۳۹۱: ۲۹).

این بحث نه تنها در حقوق ایران بلکه در حقوق کشورهای دیگر از جمله آلمان نیز مطرح بوده و هر چند در نظام حقوقی آلمان هنوز قانونی که به صراحت به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره نموده باشد وجود ندارد و «حقوق کیفری آلمان در مقابل فرض مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مقاومت کرده است.» (Mehta, 2009: 21) ولی این امر به معنی عدم طرح بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی یا عدم پیش‌بینی مجازات برای اشخاص مزبور نیست و نظام حقوق کیفری

آلمان در قالب قانون جرائم اداری^۱ اقدام به تحمیل مجازات از نوع جزای نقدی به مجازات اشخاص حقوقی و مصادره سود حاصل از فعالیت مجرمانه می‌پردازد و به لحاظ ارتباط گسترده تجاری بین ایران و آلمان بررسی وضعیت در دو کشور مزبور حائز اهمیت است.

در سال ۲۰۱۳ وزیر دادگستری ایالت «وست فالای ای راین شمالی»^۲ بنام «توماس کوت شانی»^۳ اولین پیش‌نویس قانون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی^۴ آلمان را ارائه نمود. از آن زمان، اگرچه نیاز به وجود قانون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در آلمان به نحو فشرده‌ای مورد بحث قرار گرفته، ولی هنوز قانون مزبور به تصویب نرسیده است. در مقابل، تقریباً همه دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، هم‌اینطور سوئیس و نروژ، دارای قوانین مربوط به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی هستند. با اینحال، متعاقب وقایع متعددی که طی سال‌های اخیر اتفاق افتاده است، از جمله رسوایی اخیر فولکس واگن در تولید اتومبیل‌های با موتور دیزلی با تزریق مستقیم توربو شارژ^۵ که با هدف فعال سازی برخی کنترل‌های مربوط به رها سازی گاز صورت گرفته بود^۶ و تلاش ناموفق پورشه در برعهده گرفتن مسئولیت کنترل شرکت فولکس واگن در سال ۲۰۰۸، که در هر دو مورد روشن نبود که آیا می‌توان برای اشخاص مسئولیت کیفری در نظر گرفته و در صورت مثبت بودن پاسخ محدوده آن چقدر می‌باشد، بحث دوباره به‌طور کامل جریان پیدا کرده است. اکنون، این بحث مطرح است که آیا پیش‌بینی حکم کلی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران درست بوده و می‌تواند در زمینه بازداشتن اشخاص حقوقی از ارتکاب جرم مؤثر باشد؟ تصویب قانون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در آلمان می‌تواند به مبارزه با جرائم اشخاص حقوقی و جرائم یقه سفید از بعد چشم‌انداز پیشگیری کمک نماید و جنبه بازدارندگی داشته باشد؟ آیا شرط محکومیت شخص حقوقی محکومیت شخص حقیقی است؟ شخص حقوقی در مقام دفاع چه دفاعی را می‌تواند ارائه نماید؟ به نظر می‌رسد با توجه به رشد روز افزون فعالیت اشخاص حقوقی در جامعه و ارتباط تنگاتنگ آن با زندگی افراد پیش‌بینی ضمانت اجراهای جزایی در این زمینه می‌تواند مؤثر واقع شود. هرچند در کتب حقوق کیفری عمومی کلیاتی به اختصار در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نگاشته شده است ولی مقاله حاضر را می‌توان در نوع خود اولین مقاله‌ای تلقی کرد که

1. Ordnungswidrigkeitengesetz

2. North Rhine Westphalia

3. Thomas Kutschat

4. Verbandsstrafgesetzbuch

5. turbocharged direct injection (TDI) diesel engines

۶. شرکت فولکس واگن یک نرم افزار در بعضی مدل‌های دیزلی نصب کرده بود که در هنگام ایستایی مقداری کمتر از حد متوسط گاز منواکسید کربن خارج شود که در اندازه گیری تأثیر داشته باشد و کمتر نشان دهد ولی در هنگام حرکت مقدار زیادتری خارج شود. این یک تقلب بود و بخاطر این تقلب فولکس واگن میلیاردها دلار جریمه داد.

باتوجه به جهات مختلف بحث به بررسی ابعاد مختلف مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و آلمان می‌پردازد و تطبیق آن با نظام کیفری آلمان می‌تواند به غنای بحث بیافزاید. برای بررسی دقیق تر موضوع، شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در ایران و آلمان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) مفهوم مسئولیت کیفری

برای تبیین بهتر مطلب لازم است مسائل مربوط به مسئولیت کیفری را به تفصیل در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی بررسی کنیم.

۱- در مورد اشخاص حقیقی

مسئولیت کیفری را به «الزام شخص به پاسخ‌گویی در مقابل عمل مجرمانه» تعبیر می‌کنند (باهری، ۱۳۹۴: ۱۳۵). این تعریف مورد انتقاد قرار گرفته است. مبنای انتقاد این است که «الزام در صورتی معنی دارد که شخص قادر به پاسخ‌گویی باشد و در موردی که شخص قادر به پاسخ‌گویی نباشد صحبت کردن از الزام فاقد توجیه است به این اعتبار مسئولیت کیفری عبارت است از توانایی شخص به پاسخ‌گویی در مقابل عمل مجرمانه.» (آزمایش، تقریرات درس حقوق کیفری عمومی، ۱۳۷۸-۱۳۷۷) با این کیفیت می‌توان گفت چون مسئولیت کیفری ناظر به افرادی است که توانایی پاسخ‌گویی در مقابل عمل مجرمانه را داشته باشند می‌توان آن را به توانایی و الزام به پاسخ‌گویی در مقابل عمل مجرمانه تعبیر نمود. بدین توضیح که بعد از احراز توانایی، شخص ملزم به پاسخ‌گویی است. به نظر برخی «منظور از این تعریف آن است که شخص برخوردار از نوعی وضعیت و صفتی خاص است که به موجب آن قابلیت می‌یابد تا بار تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود را تحمل کند» (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۲۳).

«چند دهه گذشته شاهد تغییر قابل توجهی در مورد شیوه فهم مسئولیت و تحقیق در مورد آن بوده است. به جای تمرکز بر آنچه که به نحو انحصاری مسئول بودن تلقی می‌شود، نظریه پردازان اخلاقی و حقوقی به نحو فزاینده‌ای به آنچه که انسان را مسئول می‌سازد علاقه مند شده‌اند.» (Watkins, 2006, 593-608) در حقوق آمریکا اعتقاد بر این است که «بین مسئولیت کیفری و اهلیت شخص برای حضور در فرایند عدالت کیفری تفاوت مفهومی وجود دارد. اهلیت فقط به توانایی فعلی متهم به دفاع و فهم فرایندی که وی درگیر آن است یا مجازات اشاره دارد، در حالی که مسئولیت کیفری فقط به حالت ذهنی مرتکب در زمان ارتکاب جرم اشاره دارد. از این رو ممکن است

شخصی از اهلیت لازم برای حضور در محاکمه برخوردار باشد ولی از نظر کیفری مسئول شناخته نشود.» (Podger & Henning & Tasliz & Garcia, 2013, 452)

مسئولیت کیفری هم از حیث مبانی و هم از حیث ارکان با مسئولیت مدنی و انتظامی متفاوت است و «تفاوت آن‌ها در این است که در مسئولیت مدنی نیازی به احراز عمد مرتکب نیست» (Laing, 1994: 57-80) هر چند در حقوق کیفری نیز در برخی موارد قانون‌گذار استثنائاً برخی اعمال غیر عمدی را جرم تلقی کرده ولی با لحاظ اصل عمدی بودن جرائم، اعمال تنها در صورتی جرم هستند که عمداً ارتکاب یافته باشند و هرگونه ایراد خسارت اعم از عمدی و غیر عمدی موجب مسئولیت است. در مسئولیت کیفری ضمانت اجرا صبغه اخلاقی دارد و از اوصاف و ویژگی‌های آن می‌توان به رسوا کنندگی، انتقام جویی و زجرآوری اشاره نمود ولی در مسئولیت مدنی شخص ملزم به ایفای تعهد یا جبران خسارت یا عدم انجام امری می‌شود و ضمانت اجراهای انتظامی نیز ناظر به تنبیهات اداری شامل منع از ارتقای درجه یا پایه یا گروه یا تنزیل آن‌ها و انفصال موقت یا دائم یا کسر حقوق است.

مسئولیت کیفری شرط تحمیل مجازات است و بدون احراز آن نمی‌توان کسی را به مجازات محکوم نمود. ماده ۱۵ قانون جزای آلمان نیز قصد را یکی از مبانی مسئولیت کیفری تلقی و مقرر داشته «جز در مواردی که قانون صراحتاً مسامحه را به‌عنوان مبنای مسئولیت کیفری تلقی کرده است، تنها رفتار عمدی می‌تواند موجب مسئولیت کیفری شود.» چون فرض بر این است که فقط رفتار عمدی می‌تواند به نظم عمومی جامعه که مبنای جرم انگاری اعمال است صدمه وارد کند. در آلمان نیز «اصل تقصیر^۱ از طرف دادگاه قانون اساسی به‌عنوان اصل اساسی مسئولیت کیفری تلقی شده است.» (Esakov: 2010, 173-192) و به همین اعتبار است که «در آلمان فقط اشخاص حقیقی از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شوند.» (Beck, 2010: 1093-113)

۲- در مورد اشخاص حقوقی

قانون جزای آلمان در مورد اشخاص حقوقی به مسئولیت کیفری اشاره‌ای نکرده و فقط قانون جرائم اداری اجازه تحمیل جزای نقدی در مورد اشخاص حقوقی را داده است. از جهت مبانی مسئولیت کیفری نیز تفاوتی بین نظام حقوقی دو کشور ایران و آلمان مشاهده نمی‌شود و تفاوت فقط در مورد سن شروع مسئولیت کیفری است که طبق ماده ۱۹ قانون جزای آلمان کودکان زیر ۱۴ سال از مسئولیت کیفری مبرا هستند. ناگفته پیداست که قصد یا مسامحه فقط ناظر به اشخاص حقیقی است و در مورد اشخاص حقوقی نمی‌توان از چنین مفاهیمی استفاده نمود و «اشخاص حقوقی نمی‌توانند

1. Schuldprinzip

قصد و اراده‌ای مستقل از قصد و اراده افراد و اعضاء خود داشته باشند.» (صانعی، ۱۳۸۲: ۵۹۹). ولی به نظر می‌رسد این سخن، مربوط به زمانی بود که اشخاص حقوقی موجوده‌هایی انتزاعی شناخته می‌شدند و ارتکاب رکن‌های مادی و روانی جرم از سوی آن‌ها نا ممکن می‌نمود. اما امروز، این اشخاص، موجوده‌هایی واقعی تلقی، و برپایه ساز و کارهای مختلفی توان‌مند به ارتکاب جرم‌های عمدی و غیر عمدی‌اند. مسؤولیت سازمانی که مورد اقبال نظام‌های حقوقی امروزین قرار گرفته، این امکان را فراهم ساخته، تا اشخاص حقوقی مستقل از اعضای خود، قصد و اراده داشته باشند.

در سال ۲۰۰۰ کمیسیون اصلاح قوانین آلمان مسئول ارزیابی ضرورت مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در آلمان شد و اعلام داشت که هیچ‌گونه مقررات فراملی که بر اساس آن تصویب چنین قوانینی الزامی باشد وجود ندارد. مخالفین ایجاد مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در مورد ضرورت چنین مسؤولیتی تردید دارند. به نظر خیلی از مخالفین، پیشگیری از بزهکاری اشخاص حقوقی در هر موردی امکان پذیر نیست. به نظر این دسته، ضمانت اجرای لازم برای تخلفات صورت گرفته از طرف اشخاص حقوقی یا اعضای آن‌ها در حقوق آلمان و اساساً در قانون جرائم اداری وجود دارد و هرگونه نقضی را می‌توان با اصلاح یا تغییر قانون مزبور برطرف نمود. به‌علاوه، پیشگیری از جرائم اشخاص حقوقی با مصادره، نه فقط سود خالص بلکه، کل درآمد ناخالص^۱ حاصل از تخلف امکان پذیر است.

در مقابل، طرفداران مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی استدلال می‌کنند که تحمیل ضمانت اجراهای کیفری در اشخاص حقوقی (به جای جریمه‌های اداری) می‌تواند آثار بازدارندگی مثبت‌تری داشته باشد. استدلال دیگری که در راستای مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی صورت می‌گیرد آن است که به موجب حقوق آلمان مسؤولیت یک شخص حقیقی به موقعیت اقتصادی وی بستگی دارد. استدلال طرفداران مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی آن است که در بیشتر موارد مجازات هیچ ارتباطی با امتیاز اقتصادی کسب شده توسط شخص حقوقی منتفع از جرم یا اقدام مربوطه ندارد. این امر در مورد شخص حقیقی محکوم به زندان بیشتر صدق می‌کند، چون نمی‌توان زندان را با جریمه تحمیل شده به شخص حقوقی مقایسه نمود.

(Jamie Nowak, Corporate criminal liability in Germany, <http://www.nortonrosefulbright.com/knowledge/publications/138883/corporate-criminal-liability-in-germany>.)

همچنان که گفته شد، قانون‌گذار ایران تا سال ۱۳۹۲ که در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی به بیان حکم کلی در مورد مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخت فقط به صورت موردی به مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخته بود. به نظر برخی از حقوقدانان «طبع فرد مدارانه قوانین

کیفری مانع از آن بوده است که تکالیف مقرر در قانون به گروه یا جمع واحدی تسری پیدا کند» (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۲۹). با اینحال، در برخی موارد به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره شده بود.^۱

در برخی موارد نیز علی رغم تصریح به اشخاص حقوقی، مسئولیت متوجه نماینده شخص حقوقی شده است. اهم قوانین قبل و بعد از انقلاب که در آنها مسئولیت و کیفر جرائم اشخاص حقوقی متوجه اشخاص حقیقی شده است. از جمله آنها مواد ۱۹ و ۲۰ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ است. در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ قانون‌گذار رویکرد خود را تغییر داده و در ماده ۱۴۳ مشخصاً به‌عنوان یک قاعده کلی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و نیز مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی اداره کننده شخص حقوقی تصریح نموده است. به این ترتیب قانون‌گذار بر این نظر که شخص حقوقی نمی‌تواند مرتکب جرم شود خط بطلان کشیده است. طبق ماده مزبور «در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.» بر این اساس قانون‌گذار دو شرط را برای احراز انتساب عمل به شخص حقوقی و مسئولیت کیفری آن مورد توجه قرار داده است:

الف) نماینده قانونی شخص حقوقی به نام شخص حقوقی مرتکب جرم شود.

منظور از نماینده قانونی شخص یا اشخاصی هستند که مسئولیت اداره شخص حقوقی را بر عهده دارند. بنابراین، مدیری که فاقد اختیار تصمیم‌گیری باشد و بازرس و ناظر شرکت نمی‌توانند برای

- ۱- طبق ماده ۱۵۴ قانون مالیات‌های مستقیم «هر شخص حقیقی یا حقوقی که به موجب این قانون مکلف به وصول و ایصال مالیات مودیان دیگر می‌باشد در صورت تخلف از انجام وظایف مقرر با مؤدی متضامناً مسئول پرداخت مالیات و زیان دیکرد متعلق بوده و مشمول جریمه مقرر نیز خواهد بود.»
- ۲- قانون تجارت در بعضی از مواد خود از مجازات شرکت‌ها نام برده است. چنانچه در ماده ۲۲۰ ق مزبور از محکومیت شرکت به جزای نقدی صحبت شده است.
- ۳- ماده ۴ قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۰۳ از تعطیلی موسسه بعنوان ضمانت اجرای تخلف اشخاص حقوقی یاد نموده است.
- ۴- ماده ۱۷ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳ اسفند ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز از اخذ جریمه بعنوان کیفر شخص حقوقی صحبت نموده است.

شخص حقوقی مسئولیت کیفری ایجاد نمایند.^۱ به این ترتیب، در صورتی که هیأت مدیره یا مدیرعامل به نام شرکت اقدام به ارتکاب عمل مجرمانه کرده باشند هم به اعتبار شخص حقیقی بودن و هم به اعتبار نماینده شخص حقوقی مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند و بنابه تصریح قسمت اخیر ماده ۱۴۳ و ماده ۲۰ ق.م.آ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نخواهد بود. باتوجه به این که قانون‌گذار به این مطلب در ماده ۲۰ تصریح کرده بود اشاره مجدد به آن در قسمت اخیر ماده ۱۴۳ فاقد توجیه است. برای مثال، اگر هیأت مدیره یا مدیرعامل به نام شخص حقوقی اقدام به کلاهبرداری نمایند هم شخصاً از نظر کیفری پاسخ‌گو خواهند بود و هم به عنوان نماینده شخص حقوقی. دلیل این امر آن است که اولاً قوه متفکره شخص حقوقی شخص حقیقی است و دوم آن که شخص حقیقی نتواند در پناه انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی به راحتی اقدام به ارتکاب جرم نماید و از مسئولیت کیفری رهایی یابد. لذا، به نظر می‌رسد اساساً هر دو ضابطه موضوع ماده ۱۴۳ نهایتاً متضمن بیان یک مطلب هستند و آن عبارت است از انتفاع شخص حقوقی از ارتکاب عمل مجرمانه. ولی به نظر می‌رسد در کلیه مواردی که جرم به نام شخص حقوقی ارتکاب می‌یابد نمی‌توان گفت که الزاماً منافع آن نیز متوجه شخص حقوقی می‌شود. برای مثال، در فرضی که شرکت ارائه دهنده خدمات رایانه ای اقدام به تولید سی دی‌های مستهجن نموده و آن‌ها را در اختیار کارمند خدماتی خود قرار دهد که جهت تأمین بخش از هزینه‌های زندگی خود اقدام به فروش سی دی‌ها و کسب درآمد نماید، هرچند جرم به نام شخص حقوقی ارتکاب یافته ولی در راستای منافع شرکت مزبور نبوده است.

همچنین نباید تصور نمود که در کلیه مواردی که جرم بنام شخص حقوقی ارتکاب می‌یابد مسئولیت کیفری متوجه شخص حقوقی خواهد بود، بلکه مسئولیت کیفری عمل ارتكابی تنها در صورتی متوجه شخص حقوقی خواهد بود که عمل توسط نماینده قانونی شخص حقوقی ارتکاب یابد. منظور از نماینده قانونی فرد یا افرادی است که طبق اساسنامه شخص حقوقی اختیار تصمیم‌گیری داشته باشند. مدیر شخص حقوقی نیز طبق مقررات قانون تجارت و در حدود اختیارات تفویضی از طرف هیأت مدیره شرکت نماینده شخص حقوقی شناخته می‌شود. برای مثال، اگر مدیرعامل شرکت به صورت مخفیانه و بدون هماهنگی با اعضای هیأت مدیره اقدام به کلاهبرداری نموده و منافع حاصله را از آن خود نماید یا در همان مثال شرکت ارائه دهنده خدمات رایانه‌ای در صورتی که مدیرعامل به صورت مخفیانه و بدون هماهنگی اقدام به تولید و توزیع سی دی‌های مستهجن نماید و هدف وی از تسمیه سی دی‌ها به نام شرکت کسب اعتماد و ایجاد اطمینان خاطر

۱. هر چند به نظر می‌رسد تفویض اختیار به مدیرعامل نافی اختیار خود هیأت مدیره در اتخاذ تصمیم نخواهد بود.

در مشتریان باشد در این جا نمی توان گفت جرم بنام شخص حقوقی ارتکاب یافته است. بنابراین، منظور قانون گذار، ارتکاب عمل مجرمانه بنام شخص حقوقی و توسط نماینده تصمیم گیر شخص حقوقی است.

ب) نماینده قانونی شخص حقوقی در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود.

همان گونه که توضیح داده شد اساساً و جز در موارد استثنایی وقتی که نماینده شخص حقوقی بنام شخص حقوقی مرتکب عمل مجرمانه می شود در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم می شود. منظور قانون گذار از عبارت «در راستای منافع شخص حقوقی» آن است که اگر منفعتی از عمل مجرمانه حاصل شود متوجه شخص حقوقی شود، ولی شرط تحقق مسئولیت کیفری انتفاع نخواهد بود و ممکن است به تصور انتفاع عملی انجام یابد ولی از عمل مزبور زیان متوجه شخص حقوقی شود و یا حتی از ابتدا معلوم باشد که از عمل مزبور فقط زیان متوجه شخص حقوقی خواهد شد. بنابراین، اگر نماینده شخص حقوقی احساس کند که در اثر ارتکاب جرم منفعی عاید شخص حقوقی خواهد شد ولی در عمل در اثر اقدام انجام شده فقط زیان متوجه شخص حقوقی شود مانع از تحقق جرم نخواهد بود. برای مثال، اگر سی دی های مستهجن بلافاصله بعد از تولید و قبل از توزیع کشف و توقیف و معدوم شوند نتیجه عمل ارتكابی چیزی جز ضرر برای شخص حقوقی نخواهد بود. شعبه ۱۰۳۳ دادگاه کیفری دو تهران در پرونده ای^۱ مدیر عامل و مؤسسه فرهنگی هنری نقش پیرانتز را به استدلال آن که مدیر عامل به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن مرتکب جرم شده، به اتهام صدور چک پرداخت نشده محکوم کرده است. با این کیفیت باید گفت حکم ماده ۱۸ قانون صدور چک که به موجب آن در فرض صدور چک پرداخت نشده مسئولیت کیفری متوجه مدیر عامل و مسئولیت تضامنی مربوط به پرداخت وجه چک بر عهده مدیر عامل و شخص حقوقی گذاشته شده است در قسمت مربوط به انحصار مسئولیت کیفری به مدیر عامل باید در کنار ماده ۲۰ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، صادر کننده و شخص حقوقی هر دو هم مسئولیت کیفری و هم مسئولیت مدنی خواهند داشت.

مسأله ای که باید در این جا به آن پرداخته شود بحث مسئولیت کیفری اشخاص دیگر در عمل مجرمانه ارتكابی بنام یا در راستای منافع شخص حقوقی توسط شخص حقیقی است. هر چند قانون گذار در ماده ۲۰ تصریح کرده که «این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست» و ممکن است چنین تصور شود که منظور قانون گذار از عبارت مزبور فقط نماینده قانونی شخص حقوقی است ولی با توجه به عبارت «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۲۱۹۰۸۰۰۶۱۸ مورخ ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

مرتکب جرم نیست» معلوم می‌شود که منظور قانون‌گذار آن است که کلیه اشخاص حقیقی دخیل در ارتکاب عمل مجرمانه، اعم از این که نماینده قانونی باشند یا نه، نسبت به عمل مجرمانه ارتكابی مسئولیت کیفری خواهند داشت. گفته می‌شود که «قانون‌گذار ایران در ماده ۱۴۳ از نظریه «مغز متفکر» در مسئولیت کیفری پیروی کرده و پذیرش این نظریه دایره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را محدود می‌کند؛ زیرا تنها جرایمی که توسط نماینده قانونی انجام می‌شود، قابل انتساب به شخص حقوقی است» (موسوی مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۳) به نظر می‌رسد نظریه مزبور، قائل به انتساب مسؤولیت شخص حقوقی از طریق مدیران عالی رتبه است و نه مدیران میانی. حال آن که به نظر می‌رسد ماده ۱۴۳، بین سلسله مرتبه‌ی مدیران، قائل به تفکیک نشده است و منظور ماده مزبور هر فردی است که به‌عنوان نماینده شخص حقوقی شناخته می‌شود اعم از آن که مدیر عالی رتبه باشد یا میانی. در ارتباط با اشخاص حقوقی در حال تصفیه نیز می‌توان قائل به مسئولیت کیفری شد. هر چند «لزوم بقای شخصیت حقوقی آن‌ها به موجب ماده ۲۰۸ قانون تجارت اصلاحی، هیچگاه دلیل بر تساوی شخصیت حقوقی اشخاص در حال تصفیه با شخصیت حقوقی قبل از دوره تصفیه نخواهد بود. اما این مسأله باعث نخواهد شد در انتساب مسؤولیت کیفری به اشخاص حقوقی در حال تصفیه ایرادی مطرح گردد، چرا که این شخصیت استثنایی اشخاص حقوقی در حال تصفیه، صرفاً از حیث حقوق و تکالیف مدیران تصفیه و مدیران شرکت و همچنین روند پرداخت دیون و وصول مطالبات واجد اهمیت بوده و از نقطه نظر مسؤولیت کیفری مؤثر نخواهد بود» (قناد-اکبری، ۱۳۹۴: ۴۷).

طبق ماده ۶۹۴ قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۳ «در صورتی که شخص حقوقی دارای شعب یا واحدهای زیرمجموعه متعدد باشد، مسؤولیت کیفری تنها متوجه شعبه یا واحدی است که جرم منتسب به آن است. در صورتی که شعبه یا واحد زیرمجموعه بر اساس تصمیم مرکزیت اصلی شخص حقوقی اقدام کند، مسؤولیت کیفری متوجه مرکزیت اصلی شخص حقوقی نیز می‌باشد.» «در آلمان اشخاص حقوقی با مسؤولیت کیفری مواجه نمی‌شوند، بلکه اشخاص حقیقی نماینده اشخاص حقوقی از حیث کیفری قابل تعقیب هستند.» (PARASCHIV, 2013: 100-105) و «مفهوم مسؤولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در آلمان مفهوم غریبی است» (Robbers, 2001: 649-669).

هر چند به نظر برخی «مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در آلمان از ابتدای امر وجود نداشته و در حال حاضر هم وجود ندارد و بدون هیچ تعجیبی وجود نخواهد داشت»، (Dubber, 2017: 13) با اینحال، از نظر تاریخی، در آلمان مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به طور کامل رد نشده است. آن‌هایی که به تاریخ حقوق آلمان با دقت بیشتری نگاه می‌کنند به این نکته توجه دارند که

تاریخ نمی‌تواند گویای همه واقعیات باشد، چون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در برهه ای از تاریخ در آلمان وجود داشته، ولی الان وجود ندارد. لذا، در حال حاضر بحث این است که در حقوق مدرن آلمان چنین مسئولیتی وجود نداشته یا نمی‌توانسته وجود داشته باشد (Dubber, 2012: 23). گفته می‌شود که در حقوق کیفری مدرن قائل شدن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی غیرمنطقی، غیرممکن و غیرقابل تصور است. چون، به موجب اصل تقصیر^۱ (nulla poena sine culpa) اشخاص حقوقی نمی‌توانند مرتکب جرم شوند.^۲ قانون گذاران آلمان بر این اعتقاد هستند که مسئولیت اداری اشخاص حقوقی اهداف بازدارندگی، قابلیت پیش‌بینی، شفافیت و عدالت کلی را برآورده می‌کند و زیانی کمتر از اجرای مقررات مربوط به مسئولیت کیفری دارد. بعلاوه، با امتناع از پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نظام حقوقی آلمان برای مفاهیم سنتی حقوق کیفری احترام قائل است. از این‌رو، آلمانی‌ها بر این نظر هستند که سیستم اداری-کیفری کفایت می‌کند. با اینحال، بسیاری از منتقدین تأکید کرده‌اند که شباهت نزدیکی بین سیستم اداری-کیفری آلمان و حقوق کیفری وجود دارد و پیشنهاد کرده‌اند که این سیستم ممکن است به‌عنوان نمایی از ضمانت اجراهای کیفری بدون حمایت‌های ارائه شده توسط آئین دادرسی کیفری باشد. سیستم آلمانی تأکید کمتری بر نقش برجسته زنی اخلاقی می‌نماید که همراه با ضمانت اجرای کیفری است. از این‌رو، سزاگرایانه بودن مجازات صفت مشخصه چنین سیستمی تلقی نمی‌شود. در آلمان به موجب مدل مسئولیت غیرکیفری، شرکت‌ها و دیگر اشخاص حقوقی فعالان مستقل حقوقی تلقی می‌شوند و از همان حقوقی برخوردارند که اشخاص حقیقی برخوردارند (Pop, 2006: 45).

به موجب مدل غیرکیفری، اشخاص حقوقی از نظر اداری مسئول جرائم یا جرائم اداری-کیفری ارتکاب یافته به وسیله یک نهاد یا نماینده می‌باشند. ماده ۳۰ قانون جرائم اداری^۳ محدودیتی را روی لیست جرایمی که اشخاص حقوقی را می‌توان به خاطر آن‌ها مسئول شناخت ایجاد نمی‌کند. اشخاص حقوقی به خاطر جرایمی که به اعتبار ماهیت آن‌ها ارتکاب می‌یابد مسئول نیستند بلکه فقط به خاطر جرائم ارتكابی توسط اشخاص حقیقی مسئول هستند. تنها شرط این است که جرائم ارتكابی با فعالیت‌های اشخاص حقوقی مرتبط باشند. با اینحال، لازم نیست که جرم داخل در فعالیت‌های شخص حقوقی باشد. از این‌رو، شخص حقوقی می‌تواند به موجب سیستم اداری-کیفری به خاطر قتل و جرائم علیه اموال و غیره مسئول شناخته و مستوجب ضمانت اجراهای جریمه، انحلال، مصادره عوائد حاصل از جرم، محرومیت از حقوق یا پروانه و نظارت اجباری بر مدیریت شود. در آلمان، اگرچه اشخاص حقوقی نباید از نظر کیفری مسئول شناخته شوند ولی به موجب قانون اداری-کیفری به

1. Schuldgrundsatz
2. societas delinquere non potest
3. Ordnungswidrigkeitengesetz

خاطر جرائم کیفری مسئول هستند. دادگاه‌های اداری و کیفری هر دو می‌توانند ضمانت اجراهای اداری را تحمیل کنند. ماده ۳۰ قانون جرائم اداری طبقه اشخاصی را که اعمال آن‌ها می‌تواند اشخاص حقوقی را به خاطر اعمال نمایندگان حقوقی یا مدیران شخص حقوقی مسئول نماید محدود می‌کند. اگر امکان پیشگیری از وقوع جرم توسط شخص حقوقی وجود داشته باشد اعمال نمایندگان یا مدیران بطور اتوماتیک وار به حساب شخص حقوقی گذاشته می‌شود (Diskant, 2008: 128-174). طبقه اشخاصی را که می‌توان مسئول اشخاص حقوقی قلمداد کرد می‌توان به دو شیوه تعیین کرد. اول آن که دادگاه‌ها ضرورتی نمی‌بینند که نام اشخاصی را که از طرف شخص حقوقی اقدام می‌کنند مشخص کنند مشروط بر این که مشخص باشد که شخصی در طبقه مشخص شده در ماده ۳۰ قانون جرائم اداری اقدام کرده است. دوم آن که به موجب ماده ۱۳۰ قانون جرائم اداری نظر به این که فقدان نظارت به موجب قانون مزبور یک جرم اداری-کیفری است، در صورتی که عمل توسط کارمندی که نماینده قانونی یا مدیر شخص حقوقی محسوب نمی‌شوند ارتکاب می‌یابد به نحوی که اگر مأمورین شخص حقوقی موضوع ماده ۳۰ بر اعمال کارمندان مزبور نظارت کافی می‌کرد از وقوع عمل مزبور پیشگیری می‌شد شخص حقوقی مسئول خواهد بود. طبق ماده ۳۰ «مطابق قواعد دادرسی تعقیب یا شناسایی مرتکب جرم ضروری نیست. بعلاوه، جرم باید در ارتباط با فعالیت‌های شخص حقوقی باشد. نهاد یا نماینده شخص حقوقی یا باید از وظایف قانونی خود تخطی کرده باشد یا رفتار باید منتهی به سود شخص حقوقی شده و یا با قصد تحصیل منفعت مالی برای شخص حقوقی انجام یافته باشد.» در حقوق آلمان، جرائم با مسئولیت شدید وجود ندارد، چون تقصیر شرط لازم مسئولیت کیفری است و بنابه تعریف «تقصیر منوط بدان است که مرتکب نقض اوامر و نواهی قوانین جزایی را خواسته باشد و بر ماهیت و اوصاف آن آگاه باشد» (باهری، ۱۳۹۴: ۱۳۴). «دولت آلمان، علی‌رغم تلاش‌های جامعه اروپا، با لجاجت تمام از پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی امتناع و در مقابل مسئولیت اداری را مورد پذیرش قرار داده که از مزایای آن می‌توان به کم هزینه بودن و کاراتر بودن اشاره کرد. مدل غیرکیفری آلمان ضمانت اجراهای زیر را می‌پذیرد:

۱- جریمه^۱

۲- انحلال^۲

۳- مصادره عوائد حاصل از جرم^۳

۴- محرومیت از حقوق یا پروانه^۴

۵- نظارت اجباری بر مدیریت^۱

1. fine
2. dissolution
3. confiscation of the fruits of the crime
4. privation of rights or licenses

میزان جریمه بر حسب این که جرم یک جرم کیفری یا اداری باشد متفاوت است. (Stanilaf, 2014: 109-120) در مورد جرائم کیفری، می‌توان شخص حقوقی را تا یک میلیون یورو جریمه کرد. (Weigend, 2008: 927-945) و اعتقاد بر این است که «جریمه اشخاص حقوقی با اصل قانون اساسی که آن‌ها را اقدامات تنبیهی می‌داند منطبق است.» (Hetzer, 2007: 383-405)

شرط انتساب مسئولیت اداری به شخص حقوقی آن است که جرم از طرف مدیر شخص حقوقی انجام یافته باشد. لازم است که عمل به تکلیف قانونی شخص مزبور مربوط باشد و وی مکلف به انجام آن بوده باشد. دکتربین مربوط به این امر به تئوری گزارش اشخاص حقوقی نیز معروف است. (Catargiu, 2013: 26-30) و حتی می‌توان گفت در آلمان «مفهوم وسیعی از عنصر روانی وجود دارد.» (Maglie, 2005: 547-566). همچنین «در مورد جرائم اداری حداکثر جریمه باید بیش از سود حاصل از جرم باشد. نظارت اجباری را تنها زمانی می‌توان اعمال کرد که تدابیر دیگر در پیشگیری از ارتکاب اعمال مجرمانه موفقیت آمیز نبوده باشند و مدت آن نمی‌تواند بیش از ۵ سال باشد. حقوق کیفری تنها سیستمی است که همه ارزش‌های پایمال شده توسط مجرمین مربوط به شخص حقوقی را مورد تأیید مجدد قرار می‌دهد. ویژگی غیرقابل جایگزین سزادهی، بازدارندگی و بازاجتماعی سازی حقوق کیفری تقاضای عمومی برای انتقام را ارضا می‌کند. مجازات کیفری اشخاص حقوقی یک پیام سمبلیک می‌فرستد و آن این که هیچ جرمی بدون مجازات باقی نمی‌ماند و مجازات عادلانه متضمن تقبیح اخلاقی جامعه است» (Pop, 2006: 44). تحمیل ضمانت اجراهای مقرر در قانون به‌ویژه جریمه نقدی و مصادره اموال به شخص حقوقی دارای این پیام است که مدیران شخص حقوقی که به نمایندگی از آن تصمیم می‌گیرند متوجه این امر باشند که ارتکاب اعمال خلاف قانون باعث توجه زیان مالی به شرکت خواهد شد و در تصمیم‌گیری‌های خود دقت کافی را مبذول دارند. این امر دارای اثر بازدارندگی نیز می‌باشد و با دقتی که در تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گیرد از وقوع تخلفات در آینده اجتناب می‌شود و دارای این اثر بازاجتماعی سازی هم هست که نمایندگان شخص حقوقی برای حفظ اعتبار شخص حقوقی در راستای احکام قانونی عمل کنند.

ب) ضمانت‌اجراهای قابل اعمال در مورد اشخاص حقوقی

از حیث ضمانت اجرا، قانون‌گذار ایران در ماده ۲۰ ق.م. آ سال ۹۲ مقرر داشته «در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص

1. mandatory management oversight
2. verbandsunrecht

حقیقی نیست:

الف- انحلال شخص حقوقی

ب- مصادره کل اموال

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج

سال

ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج- جزای نقدی

چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها

تبصره- مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.» «می‌توان تبصره مورد بحث را از این جهت که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را نه بر مبنای دولتی بودن یا نبودن، بلکه بر مبنای اعمال آن‌ها استوار کرده است، واقع بینانه و در جهت اهتمام به اصل برابری اشخاص در برابر قانون توصیف کرد.» (شریفی، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

ضمانت اجرای مصادره اموال زمانی اعمال خواهد شد که کلیه بدهی‌های شخص پرداخت شود و چنان چه مازادی باقی بماند مصادره خواهد شد. نکته قابل توجه در مورد اشخاص حقوقی آن است که آیا در فرض مصادره اموال شخص حقوقی در مورد شرکت‌های شخص یا مختلط باید اموال سهامداران یا شرکای ضامن نیز مصادره شود یا مصادره فقط ناظر به اموال خود شخص حقوقی خواهد بود؟ به نظر می‌رسد باید مصادره را فقط ناظر به اموال خود شخص حقوقی بدانیم.

ضمانت اجرای موضوع بندهای (پ، ت و ث ماده ۲۰) در عمل نمی‌توانند نمود داشته باشند. چون مردم اساساً اطلاعاتی در مورد این که فلان شخص حقوقی مجاز به انجام چه نوع فعالیت شغلی یا اجتماعی است ندارند و نیز اطلاع ندارند که از افزایش سرمایه منع شده‌اند یا نه؟ ممکن است پاسخ داده شود که افزایش سرمایه باید در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت برسد و با ممنوعیت افزایش سرمایه که قانوناً باید به اداره مزبور منعکس شود اداره مزبور از ثبت افزایش سرمایه امتناع می‌کند. ولی باید توجه داشت که شخص حقوقی ابتدا سرمایه را از سرمایه گذار دریافت می‌کند و بعداً معلوم می‌شود که مجاز به افزایش سرمایه نبوده است. در ارتباط با بند (ث) مشکلات بیشتری مطرح می‌شود. چون ممکن است شخص حقوقی قبل از مواجه شدن با ممنوعیت مزبور چندین دسته چک پنجاه برگی از بانک‌های مختلف گرفته باشد و بعداً اقدام به صدور چک‌های مزبور نماید یا در مورد سفته که موقع خرید سفته از بانک کسی در مورد مجاز یا ممنوع بودن صدور آن‌ها



سوالی نمی‌کند شخص حقوقی می‌تواند به صورت نامحدود اقدام به صدور سفته نماید. در ارتباط با تبصره باید گفت که از توجه به مفهوم مخالف حکم ماده چنین بر می‌آید که منظور قانون‌گذار آن است که اگر شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیر دولتی عمل تصدی انجام دهد می‌توان مجازات‌های موضوع این ماده را در مورد شخص مزبور اعمال نمود. ولی به نظر می‌رسد نمی‌توان در همه موارد به مفهوم مخالف ماده عمل نمود. برای مثال، توزیع آرد که توسط شورای آرد و نان صورت می‌گیرد اساساً یک عمل تصدی است ولی با توجه به این که جنبه عمومی دارد و برای مثال، انحلال آن می‌تواند موجب مشکلات اساسی برای جامعه و احیاناً ایجاد هرج و مرج شود نمی‌توان مجازات‌های موضوع ماده ۲۰ را در مورد آن اعمال کرد. اگر شخص حقوقی موضوع تبصره اقدام به توزیع میوه یا اقلامی نماید که به راحتی از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر نیز قابل ارائه می‌باشد اعمال مجازات‌های موضوع ماده ۲۰ در مورد آن منعی نخواهد داشت. ولی در این جا نیز باید به این مطلب توجه نمود که اگر برای مثال، در ایام خاص مانند ایام نوروز دولت برای مقابله با گرانی اقدام به تأسیس شرکت‌هایی برای ارائه اقلام ضروری ایام نوروز نماید و شخص حقوقی مرتکب جرم شود در این جا نیز به لحاظ ارتباط فعالیت شخص حقوقی با منافع عمومی نمی‌توان مجازات‌های موضوع ماده ۲۰ را اعمال نمود. «فلسفه عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عمومی اینگونه عنوان شده است که تحمیل مسئولیت کیفری بر اشخاص حقوقی حقوق عمومی مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌ها و ناقض آن است. زیرا با مجازات این اشخاص در واقع تابعان قدرت عمومی مجازات می‌شوند.» (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۰ و ۲۲) به نظر می‌رسد این ایراد در مورد اشخاص حقوقی حقوق خصوصی نیز قابل طرح باشد و اختصاص به اشخاص حقوقی عمومی ندارد.

قانون‌گذار در ماده ۲۱ به تشدید مجازات در مورد شخص حقوقی پرداخته و مقرر داشته «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود.» ماده ۲۲ نیز برای اعمال ضمانت اجرای انحلال و مصادره اموال شرط گذاشته و مقرر داشته «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.» بنابراین، اگر شخص حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود نیامده باشد یا با انحراف از هدف مشروع نخستین فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر نداده باشد و برای مثال، یک یا دو بار در فاصله‌های زمانی مختلف مرتکب جرم شده باشد نمی‌توان ضمانت اجرای مزبور را در مورد آن اعمال نمود. در آلمان نیز «ماده ۶۲ قانون شرکت‌های با مسئولیت محدود تحت شرایطی مثل زمانی که منافع

جامعه توسط شرکا و یا نمایندگان شرکت که به خود واگذاشته شده‌اند، به خطر بیفتند و همچنین اگر در این گونه شرکت‌ها مجمع عمومی نسبت به احضار و تنبیه مدیر منتخب خود که برخلاف قانون عمل می‌کنند بی‌اعتنایی نماید، انحلال این شرکت را پیش بینی کرده است» (Bose, 2011: 139-241). علاوه بر آن «کلیه اشخاص حقوقی که عزم خود را برای نقض قانون جرم نمایند و دست از فعالیت مجرمانه برندارند در معرض انحلال قرار می‌گیرند.» (شریفی، ۱۳۹۴: ۳۱۱).

مطلب قابل توجه دیگر امکان یا عدم امکان ارتکاب کلیه جرائم به نام شخص حقوقی یا در راستای منافع آن وجود دارد؟ مثلاً آیا می‌توان به نام شخص حقوقی مرتکب قتل یا جرائم جنسی شد؟ برای مثال، به اعتبار این که مدیر شخص حقوقی رقیب، عرصه را برای فعالیت‌های شخص حقوقی تنگ کرده و نماینده حقوقی در راستای منافع شخص حقوقی متبوع خود اقدام به قتل وی نماید یا احياناً تعرضی جنسی علیه وی یا یکی از اعضای نماینده حقوقی رقیب نماید تا با ملکوک کردن آبرو و حیثیت وی، مانع از حضور مستمر وی در عرصه فعالیت‌های شخص حقوقی رقیب شود؟

برخلاف نظر برخی که معتقدند «ارتکاب جرم قتل عمد یا شرب خمر از ناحیه شخص حقوقی غیرممکن است، زیرا چنین جرمی نه می‌تواند در راستای منافع شخص حقوقی یا به نام او باشد»، (پوربافرانی و سیفی، ۱۳۹۴: ۱۱۰) به نظر می‌رسد ارتکاب جرائم مزبور توسط شخص حقوقی امکانپذیر است. برای مثال، تصور کنیم مدیر یک شخص حقوقی، مدیر شخص حقوقی رقیب را که به اعتبار شهرت بازار را قبضه کرده به قتل برساند یا برای کسب مجوز فروش مشروب به نام شخص حقوقی از یک شرکت خارجی اقدام به شرب خمر نماید. چون وقتی که قانون گذار از ارتکاب جرم به نام شخص حقوقی یا در راستای منافع آن صحبت می‌کند امکان ارتکاب هر جرمی را می‌توان تصور نمود و محدود به جرائم مالی نخواهد بود. به طور کلی هر جرمی با هر ماهیتی از طرف نماینده شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی قابل ارتکاب است اعم از این که جرم مزبور از جرائم مالی باشد یا غیر مالی. ممکن است ایراد شود با توجه به این که لذت ناشی از ارتکاب زنا تنها متوجه انسان می‌شود یا ضمانت اجرای قصاص در قتل عمد فقط متوجه انسان است یا شرایط شهادت دروغ از جمله مرد بودن و ... فقط در مورد انسان می‌تواند مصداق داشته باشد ارتکاب اعمال مزبور از ناحیه شخص حقوقی وجود ندارد. به نظر می‌رسد همانگونه که قبلاً نیز توضیح داده شد خود شخص حقوقی قابلیت ارتکاب هیچ جرمی را ندارد و قانون گذار اعمال ارتکاب یافته به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی از ناحیه شخص حقیقی را جرم ارتکاب یافته توسط شخص حقوقی تلقی می‌کند. به این اعتبار نه تنها در مورد مصادیق مذکور بلکه در سایر مصادیق نیز امکان عملی ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی وجود ندارد ولی قانونگذار شخص حقوقی را مسئول می‌شناسد. برای مثال،

در تخریب امکان ارتکاب عمل مادی توسط شخص حقوقی وجود ندارد یا در کلاهبرداری شخص حقوقی امکان فریب دادن بزه‌دیده را ندارد ولی قانونگذار ارتکاب این اعمال توسط شخص حقوقی را به حساب شخص حقوقی می‌گذارد.

در حقوق آلمان در مورد ضمانت اجرای قابل اعمال در حقوق مزبور باید به قانون جرائم اداری مراجعه کرد. در حقوق آلمان هر چند قانون صریحی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی وجود ندارد ولی مقامات آلمانی از برخی اختیارات برای تحمیل ضمانت اجراها برخوردارند. بیشتر مقررات موجود را باید در قانون جرائم اداری جستجو نمود. در مورد برخی تخلفات می‌توان جریمه‌ها را به اشخاص حقوقی تحمیل نمود و سود حاصله از جرائم را مصادره نمود.

مطابق بند ۱ ماده ۱۳۰ قانون جرائم اداری در صورت نقض تدابیر نظارتی مورد نیاز برای پیشگیری از نقض وظایف لازم توسط مالک که در قالب ترک فعل ارتکاب می‌یابند می‌توان شخص حقوقی را جریمه نمود. چنین تدابیری شامل نصب، انتخاب مراقب و نظارت بر پرسنل نظارتی خواهد بود. در صورتی که نقض وظیفه متضمن مجازات کیفری باشد جرائم اداری در قالب ترک فعل می‌توانند متضمن حداکثر جریمه ۱۰۰۰۰۰۰ مارکی باشند. در صورتی که نقض وظیفه متضمن یک جرم اداری باشد میزان جریمه به حداکثر جریمه اداری قابل تحمیل برای نقض وظیفه بستگی خواهد داشت. در صورتی که امتیاز اقتصادی تحصیل شده از طریق جرم اداری بیش از ۱۰۰۰۰۰۰۰ مارک باشد،^۱ میزان جریمه می‌تواند افزایش یابد و هرگونه سودی که بیش از میزان جریمه باشد مصادره خواهد شد. هر چند روشن است که طبق قانون جرائم اداری مقامات از اختیار تحمیل جریمه قابل ملاحظه برخوردارند، ولی میزان جریمه به صلاحدید مقامات بستگی دارد.^۲

از طرف دیگر، اگر جرم ارتكابی توسط شخص حقوقی از نوع جرم کیفری باشد دادستان، طبق اصل قانونی بودن تعقیب^۳ ملزم به تعقیب خواهد بود. آمارها دلالت بر آن دارند که سیستم فعلی مجازات‌ها ظاهراً از کارایی برخوردار نیستند. اگرچه تعداد زیادی از جرائم اشخاص حقوقی توجه مقامات را به خود جلب می‌کنند، (برای مثال ۷۱۰۰۰ مورد در سال ۲۰۱۳ و ۶۳۰۰۰ مورد در سال ۲۰۱۴)، با اینحال، دادستان‌های عمومی به ندرت از اختیار تحمیل جریمه‌های اداری بر اشخاص حقوقی استفاده می‌کنند. یک دلیل این امر آن است که طبق قانون جرائم اداری اثبات تقصیر عضو یا مالک شخص حقوقی ضرورت دارد. برای فائق آمدن بر این مشکل، مقررات پیش نویس پیشنهادی

۱. لازم به ذکر است که قانون مزبور مصوب ۱۹۸۵ است و در زمان تصویب قانون واحد پول آلمان مارک بود و از سال ۲۰۰۱ یورو شده است.

2. Opportunitätsprinzip
3. Legalitätsprinzip

مربوط به قانون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اثبات تقصیر را الزامی نمی‌دانند. پیش نویس خود شخص حقوقی را مورد توجه قرار می‌دهد و تحمیل جریمه به شخص متهم بستگی ندارد. برای مثال، در صورت ارتکاب جرائم مرتبط با شخص حقوقی توسط پرسنل شاغل در موقعیت‌های مربوط با مسئولیت‌های شخص حقوقی یا در صورتی که مسئولیت‌های شخص حقوقی به نحو نامناسبی توزیع شده باشند شخص حقوقی مسئول خواهد بود. ضمانت اجراهای اضافی می‌تواند بر نقض وظایف نظارتی تصمیم‌گیرندگان شخص حقوقی مترتب شود.

(Jamie Nowak, Corporate criminal liability in Germany, <http://www.nortonrosefulbright.com/knowledge/publications/138883/corporate-criminal-liability-in-germany>.)

به این ترتیب به نظر می‌رسد در وضعیت فعلی قانون‌گذار آلمان در مجموع از ساز و کارهای غیرجزایی در برخورد با تخلفات اشخاص حقوقی استفاده می‌کند و این ساز و کارها جوابگوی جامعه آلمانی شناخته می‌شود. ضمانت‌آجراهایی که در مقررات پیش گفته به آن‌ها اشاره شد همانند جریمه و مصادره اموال و انحلال همانند ضمانت‌آجراهای مقرر در نظام کیفری ایران هستند. بنابراین تفاوت اساسی که بین دو نظام کیفری وجود دارد آن است که در نظام کیفری آلمان در مورد اشخاص حقوقی از عبارت تخلف و در نظام کیفری ایران از عبارت جرم استفاده می‌شود. این امر دلالت بر آن دارد که قانون‌گذار آلمانی هنوز نتوانسته مشکل عنصر روانی را در ارتباط با اشخاص حقیقی حل نماید.

نتیجه‌گیری

پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی متضمن ارسال این پیام مثبت برای عموم جامعه است که قانون‌گذار نسبت به پیامدهای خطرناک اعمال ارتكابی توسط اشخاص حقوقی بی تفاوت نیست. همچنین می‌تواند حاوی این پیام باشد که جامعه محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری است. ممکن است تصور شود که مسئول شناختن اشخاص حقوقی با سرمایه‌گذاری در تنافی است ولی به نظر می‌رسد برخلاف تصور مزبور در جامعه‌ای که همه در قبال اعمال ارتكابی مسئول شناخته شوند امکان تأمین امنیت سرمایه‌گذاری نیز بیشتر خواهد بود و نتیجه این امر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی خواهد بود.

مشکلی که قانون‌گذار آلمان در زمینه برقراری مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی با آن مواجه است بحث عنصر روانی است. اشخاص حقوقی به عنوان موجودی اعتباری نمی‌توانند دارای عنصر روانی باشند. چون، داشتن عنصر روانی ویژگی ذاتی شخص حقیقی است. به این دلیل که عنصر

روانی فعل و انفعال ذهنی است و لازمه این امر قابلیت تفکر است که فقط یک شخص حقیقی می‌تواند چنین قابلیتی داشته باشد.

پیش نویس قانون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در آلمان برای فائق آمدن بر این مشکل اثبات تقصیر را الزامی نمی‌دانند. پیش نویس، خود شخص حقوقی را مورد توجه قرار می‌دهد و تحمیل جریمه به شخص متهم بستگی ندارد.

قانونگذار ایران این مشکل را با پیش بینی عنصر روانی نیابتی حل کرده است و به نظر می‌رسد اطلاق حکم ماده ۱۴۳ و ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی شامل کلیت ماده ۱۴ قانون مزبور است. به عبارت دیگر، اگر مبنای انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی ارتکاب عمل مجرمانه توسط نماینده شخص حقوقی باشد تفاوتی بین نوع جرم وجود نخواهد داشت. بدین توضیح که عنصر روانی اتخاذ شده توسط شخص حقیقی را به حساب شخص حقوقی می‌گذارد. این اقدام قانونگذار ایران موجه به نظر می‌رسد. چون، اشخاص حقیقی به عنوان قوه متفکره شخص حقوقی عمل می‌کنند و گرداننده شخص حقوقی می‌باشند. قانونگذار به درستی مسئولیت را زمانی متوجه شخص حقوقی دانسته که اشخاص حقیقی به عنوان نماینده شخص حقوقی عمل کنند یا فعالیت آن‌ها در راستای منافع شخص حقوقی باشد.

در پاسخ به این پرسش که آیا پیش بینی حکم کلی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران درست بوده و می‌تواند در زمینه بازداشتن اشخاص حقوقی از ارتکاب جرم مؤثر باشد؟ تصویب قانون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در آلمان می‌تواند به مبارزه با جرائم اشخاص حقوقی و جرائم یقه سفید از بعد چشم انداز پیشگیری کمک نماید و جنبه بازدارندگی داشته باشد؟ باید گفت به نظر می‌رسد با توجه به رشد روز افزون فعالیت اشخاص حقوقی در جامعه و ارتباط تنگاتنگ آن با زندگی افراد پیش بینی ضمانت اجراهای جزایی در نظام کیفری ایران و آلمان در این زمینه می‌تواند مؤثر واقع شود. هر چند باید در نظر داشت که جرم انگاری همیشه باید به عنوان آخرین راه حل باشد و تا زمانی که راه حل‌های غیر کیفری بتوانند نیازهای جامعه انسانی را تأمین کنند باید از توسل به راه حل‌های کیفری اجتناب نمود. در مجموع به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران در مقایسه با نظام حقوقی آلمان در برخورد با اشخاص حقوقی از انسجام بهتری برخوردار است و مقررات آن با واقعیات جامعه امروزی سازگاری بیشتری دارد. نقش فزاینده ای که اشخاص حقوقی در جامعه امروزی پیدا کرده‌اند ایجاب می‌کند که قانونگذاران برای آن‌ها نیز مسئولیت کیفری پیش بینی نمایند و قانونگذار ایران ضرورت مزبور را درک و برای آن‌ها مسئولیت کیفری پیش بینی نموده ولی قانونگذار آلمان هنوز درگیر بحث سنتی عدم امکان تحقق عنصر روانی در مورد اشخاص حقوقی است. در پاسخ به این پرسش که آیا شرط محکومیت شخص حقوقی محکومیت

شخص حقیقی است؟ باید گفت به نظر می‌رسد بین دو محکومیت مزبور ملازمه وجود دارد و اگر شخص حقیقی نماینده شخص حقوقی از اتهام انتسابی براءت حاصل نماید امکان محکومیت شخص حقوقی وجود نخواهد داشت. در پاسخ به این سؤال که دفاع شخص حقوقی در مقابل اتهام انتسابی چه خواهد بود باید گفت شخص حقوقی می‌تواند به دفاع عدم وقوع بزه یا عدم نمایندگی شخص حقیقی از طرف شخص حقوقی استناد نماید.

منابع

آزمایش، علی (۱۳۷۸-۱۳۷۷)، «تقریرات درس حقوق کیفری عمومی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران»، نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۷.

آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۰)، **حقوق کیفری عمومی**، جلد دوم، تهران: انتشارات جنگل. اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۴)، **حقوق جزای عمومی**، چاپ هفتم، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان. باهری، محمد (۱۳۹۴)، **حقوق جزای عمومی**، چاپ اول (به کوشش دکتر علی آزمایش) تهران: انتشارات نگاه معاصر.

پوربافرانی، حسن؛ سیفی، مهدیه (۱۳۹۴)، «گونه شناسی مجازات شخص حقوقی»، **آموزه‌های حقوق کیفری**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹، بهار-تابستان ۱۳۹۴. ص ۱۰۱-۱۲۸. حسنی، محمد حسن (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم قتل و صدمات بدنی در حقوق کیفری انگلستان و ایران»، **تحقیقات حقوقی** «ویژه‌نامه شماره ۴، علمی پژوهشی ۴۰) ISC / ص ۱۰۷-۱۴۶

سلطانی، مهدی (۱۳۹۱)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، تهران: انتشارات دادگستر. شریفی، محسن؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ عیسایی تفرشی، محمد و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۲)، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، **آموزه‌های حقوق کیفری**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶ ص ۵۷-۸۸.

شریفی، محسن (۱۳۹۴)، **مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان**، تهران: انتشارات میزان، ص ۱۷۲.

صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات طرح نو. فرج‌اللهی، رضا (۱۳۸۹)، «تأثیر جرم‌شناسی اثبات گرا بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ویژه نامه شماره ۲، ص ۴۹۰-۴۴۱.

قناد، فاطمه و اکبری، مسعود (۱۳۹۴)، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه»، **مجله حقوقی دادگستری**، سال ۷۹، شماره ۹۱، ص ۵۶-۳۷.

میرسعیدی، سید منصور (۱۳۸۳)، **مسئولیت کیفری: قلمرو و ارکان**، تهران: انتشارات میزان.
 موسوی مجاب، سید درید و رفیعزاده، علی (۱۳۹۴)، «دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، **پژوهش حقوق کیفری**، سال چهارم، شماره سیزدهم، ص ۱۶۹ - ۱۴۷.

Beck, Susanne, (2010), Meditating the Different Concepts of Corporate Criminal Liability in England and Germany, *German Law Journal*, Vol. 11 No. 10.

Bose, M. Corporate criminal liability in Germany in Pieth, Mark & Ivory, Radha, *Corporate criminal liability*, Springer, 2011. Pp. 139-241.

Catargiu, M. & Catargiu, Magdalena, (2013), THE ORIGINS OF CRIMINAL LIABILITY OF LEGAL PERSONS ° A COMPARATIVE PERSPECTIVE, *International Journal of Juridical Sciences*, www.juridicaljournal.univagora.ro ISSN 1843-570X, E ISSN 2067-7677 No. 3.

CORPORATE CRIMINAL LIABILITY INTERNATIONAL PERSPECTIVE, shodhganga.inflibnet.ac.in/bitstream/10603/107447/1/11/11_chapter%204.pdf

Dubber, Markus D, THE COMPARATIVE HISTORY AND THEORY OF CORPORATE CRIMINAL LIABILITY, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2114300>, 09/08/2017.

DISKANT, EDWARD B, Comparative Corporate Criminal Liability: Exploring the Uniquely American Doctrine Through Comparative Criminal Procedure, *THE YALE LAW JOURNAL*. (2008).

Dubber, Markus D. (2012), the Comparative History and Theory of Corporate Criminal Liability. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2114300> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2114300>

Esakov, Gennady A, (2010), Corporate Criminal Liability: A Comparative Review, *City University of Hong Kong Law Review*, volume 2.

Iulia Pop, Anca, (2006), CRIMINAL LIABILITY OF CORPORATIONS ° COMPARATIVE JURISPRUDENCE, Michigan State University College of Law, available at: <http://digitalcommons.law.msu.edu/king/81>.

LAING, J. A, (1994), the Prospects of a Theory of Criminal Culpability: Mens Rea and Methodological Doubt, in Oxford University Press, *Oxford Journal of Legal Studies* Vol 14, No 1.



- Nowak, Jamie, Corporate criminal liability in Germany, <http://www.nortonrosefulbright.com/knowledge/publications/138883/corporate-criminal-liability-in-germany>.
- S, Ellen. Podgor & Peter J. Henning & Andrew E. Tasliz & Alfredo Garcia, (2013), criminal law: concepts and Practice, Third edition, Carolina Academic Press.
- Watkins, Jeremy, (2006), Responsibility in Context, Oxford Journal of Legal Studies, Published by Oxford University Press, Vol. 26, No. 3.
- MAGLIE, DE CRISTINA, (2005), MODELS OF CORPORATE CRIMINAL LIABILITY IN COMPARATIVE LAW, WASHINGTON UNIVERSITY GLOBAL STUDIES LAW REVIEW, Vol 4.
- Mehta, Ruchi, (2009), REGULATION OF CORPORATE CRIMES, 21 (No.2) Sri Lanka JIL 71.
- PARASCHIV, DANIEL-\$TEFAN, (2013), CORPORATE CRIMINAL LIABILITY IN COMPARATIVE LAW, Contemporary Readings in Law and Social Justice, Volume 5(1), ISSN 1948-9137.
- Robbers, Gerhard, (2001), Religious Freedom in Germany, Brigham young university Law Review, Heinonline, Citation: BYU L. Rev. 643 2011.
- STANILAf, LAURA, (2014), Criminal Liability of Legal Persons. History, Evolution and Trends in Romanian Criminal Law, Heinonline, Citation: J. E.-Eur. Crim. L. 109 2014.
- Weigend, T, (2008), 'Societas delinquere non potest? A German Perspective, 6 Journal of International Criminal Justice (JICJ).

